

آیا افغانستان به این "دیموکراسی" ضرورت داشت؟ یا یک مرد آهنین

آیا افغانستان به این "دیموکراسی" که در اصل انارشی است ضرورت داشت؟ و یا به آهنین مرد با کفایت برای دوره حد اقل ۵ و حد اکثر ۱۰ ساله؟

به تائید و تقدیر از مقالاتی ارزشمند و پر محتوای محترم ولی احمد نوری، محترم محمد عارف عباسی، شاعلی رحمت آریا و محترم داکتر صاحب سید عبدالله کاظم دانشمندان و نویسندگان ملی و واقعیت بین در رابطه به شخصیت های ملی و تاریخ ساز کشور ما چون احمد شاه بابای کبیر و "امیر آهنین" امیر عبدالرحمن خان ضیاء الملت والدین و کار نامه های شان که افغانستان را از پارچه شدن و ملوک الطوائفی نجات داده، خواستم مقاله ام را که اسم مرد آهنین مزین عنوانش است، صاحب نظران محترم خارج و داخل از کشور را در رابطه به اوضاع لجام گسیخته وطن مخاطب قرار داده، عرایضم را که جنبه انتقادی دارد پیشکش داکتران، دانشمندان، اهل خبره، نویسندگان، تحلیلگران و مبصرین سیاسی نمایم. در ضمن لیبیک بزرگ به نوشته پر محتوای شاعلی ولی احمد نوری تحت عنوان: «باید به بزرگان تاریخ ساز وطن، ارج گذاشت!» که در سطر چهارم آن از آخر به رنگ زیبا سرخ نوشته: **آیا تصور نمیشود که در شرایط کنونی موجود وطن ما همچو اداره چی با کفایت و نیرو مند نیاز باشد؟** من به جواب یکبار دیگر میگویم بلی، عنوان مقاله ام گویای این واقعیت است.

البته مسأله بالای سیستم سیاسی فعلی (دیموکراسی نیم بند و بی موقع) و ثمرات آن در ۱۰ سال گذشته، در کشور عزیز ما افغانستان است، افغانستان ایکه هنوز در اعماق قرون ۱۸ و ۱۹ غرق، و با عالمی از مشکلات قومی، زبانی، مذهبی و غیره تعصبات خانمانسوز دست و پنجه نرم میکند، تا خود را به یک ساحل حد اقل امن برساند، ملتیکه ۱۳ سال را در زیر سلطه رژیم کمونیستی خلقی ها و پرچمی ها با ترس و وحشت، ۴ سال را زیر بربریت حکومتهای تنظیمی و مدت ۵ سال دیگر را زیر قیومیت طالبان، آن سیاه دلان تاریخ قرون اوسطائی گذشتانده باشد، چطور میتواند راه صد ساله را به یک شب ببیماید؟ قابل یاد آور است که خوانندگان محترم پورتال وزین افغان جرمن آنلاين نوشته مرا قسمی دیگر تلقی نکنند که گویا من خلاف دیموکراسی هستم، نخیر دیموکراسی و یا هر نظام سیاسی دیگر در هر کشوری از جهان وقت و زمان کار دارد تا ساختار آن جامعه از نگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آماده پذیرفتن همچو سیستم سیاسی شود، در غیر آن نمونه روشن و زنده این اقدام نا سنجش (دیموکراسی صادراتی) را در کشور خود و کشور عراق به چشم سر می بینیم.

از اینجاست که گله و شکایت اکثر هموطنان منجمله خودم از بزرگان، دانشمندان، داکتران، نویسندگان، پروفیسوران و چهره های شناخته شده ما که در حال حاضر درین کشورهای غربی و یا در داخل کشور ایفای وظیفه مینمایند و یا متقاعد هستند، شروع میشود که چرا درین مدت ۱۰ سال (۲۰۰۱-۲۰۱۱) لب به سخن نگشودید، و نگفتید که افغانستان وطن واحد ما بعد از سپری نمودن اینهمه سالیان دشوار و بدبختی های بیشمار آماده قبول و پذیرش تحفه ای بنام دیموکراسی، و هضم این غذای سخت نیست. لطفاً اینبار گران را بدوش مملکتی که نه زیر بنا برایش مانده و نه روبنا (۵۳٪ نفوس آن زیر خط فقر زندگی میکنند، فساد اداری، اعتیاد به مواد مخدر، بیسوادی، قانون شکنی، نارسایی به خدمات صحیه و غیره داد میزند) نگذارید، که آینده آن بسیار وخیم است.

به تائید از گفته جناب نبیل مسکینیار متصدی ملی گرای تلویزیون آریانا افغانستان و گوینده والای برنامه های پُر بیننده (نگاه و از گپ گپ می خیزد)، که در یکی از برنامه های خود اشاره نمود، «افغانستان بالای همه ما حق دارد اما بالای پروفیسوران، داکتران، صاحب نظران، دانشمندان و اهل خبره ما حق زیاد تر، زیرا این اشخاص با القاب علمی بلند، از پول همین ملت غریب به این درجات دست یافته اند». من هم به خود این جرئت را میدهم و با همه احترامی که به هر یک ازین نوات محترم دارم، وهر کدام ایشان حیثیت استاد و برادر بزرگ را برای من دارند، خواستم گله و شکایتی از بزرگان خود داشته باشم.

دپائو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

بنده که یک شنونده و بیننده خوب تلویزون های پیام افغان و آریانای افغانستان هستم، مصاحبات متصدیان و گردانندگان وطندوست و خوش کلام این رسانه ها را با صاحب نظران کشور ما تعقیب میکنم، از لابلای صحبت های هریک شان فهمیده میشود که هر کدام از این بزرگان میخواهند بگویند که وطن ما افغانستان آماده ای رژیم فاسد و تحمیلی زیر نام "دیموکراسی" نبود، اما روی بعضی ملحوظاتی که نزد ایشان است محافظه کاری میکنند و نمیگویند که مبادا یک تعداد محدودی از هموطنان ما و در مجموع غربی ها آزرده نشوند. در حالیکه ازین حالت بی بند و بار و بی سر و سامان کشور خود منحنی فرزندان صدیق آن سر زمین رنج میبرند، اما سخنان خود را در لفافه می پیچانند و نمخوانند موقف محافظه کارانه را که جبراً اختیار نموده اند از دست بدهند.

درست است که در عصر کنونی یعنی قرن بیست و یکم جهان داد از دیموکراسی میزند و یکعده کشور های جهان، در حال حاضر شرقمیانه قرار است یکی پی دیگر مزه این میوه کمیاب را بچشند، برعکس کشور عزیز ما افغانستان بعد از سقوط حکومت تنظیم ها و به تعقیب آن حکومت طالبان، (این لکه های بدنامی در دامن دین مقدس اسلام)، به یک رهبری منظم و مصمم ضرورت داشت، که در رأس آن شخص جدی، عادل، صادق و سیاستمدار آزموده با یک تیم کاری و کابینه با کفایت و دلسوز به وطن قرار میگرفت. تیم کاری که میرا از همه تعصبات زهر آگین قومی، زبانی، مذهبی و ستمی میبود، دستان شان به خون مردم افغانستان آلوده نمیبود، در ۳۲ سال اخیر کدام مقام و منصب بلند را در رژیم های تباه کن نمیداشتند، تیم متذکره از قشر منورین و دانشمندان داخل و خارج از کشور ترتیب میگردد، تا برای مدت حد اقل ۵ سال و حد اکثر ۱۰ سال در رأس رهبری افغانستان قرار میگرفت، تا این اوضاع لجام گسیخته سرزمین مارا سرو سامان میدادند، و بعداً انتخابات آزاد را به راه میانداختند، تا تشنگان دیموکراسی سیراب میشدند.

افغانستان و ملت بی دفاعش در ۳۲ سال اخیر اظلام بی نظیر رژیم های گوناگون چپی و راستی چون دوره "کمونیست های روشنفکر"، **سران جهادی ویرانگر و بی فکر**، طالبان سیاه دل و کهنه فکر و "دیموکرات های مافیائی با فکر" به رهبری حامد کرزی و تیم کاری اش که مشتمل از ۳ گروپ فوق الذکر میباشد، تجربه و یا در حال تجربه هستند، و اینرا هم درک کرده اند که هیچ یک ازین رژیم ها نتوانسته به زخم های شان مرهم بگذارد، برعکس زخم هایشان را هر رژیم نسبت به رژیم قبلی تازه تر و عمیقتر ساخته است.

هموطنان عزیز به این هم باید باور داشته باشیم که استقرار **صلح** در کشور ما افغانستان هیچگاه بدون **عدالت** میسر نیست، و عدالت با تعقیب و پیگرد قانونی جنایتکاران جنگی و جنگسالاران که در عین زمان قاچاقبران مواد مخدر و هزاران جنایت دیگر میباشند تحقق میآید، و مردم افغانستان بی صبرانه منتظر آن روزی هستند که جنایتکاران جنگی و جنگسالاران ایکه زندگی مردم افغانستان را از ایشان غصب و همه را به گروگان گرفته بودند و گرفته اند، هر چه زود تر به محکمه بین المللی هاگ و یا دیگر محاکمات ملی و بین المللی کشانده شوند تا جزای خطا ها و جنایات خود را مانند این اشخاص جنایتکار و ستمگر چون رهبر صرب های بوسنیا **رضوان کارادویچ (۱۹۹۲ - ۱۹۹۵)**، که همه از جنایات وی در حق مردم اش خبر دارد و لازم به توضیح اضافی ندارد، رئیس جمهور لایبریا **چارلز تیلر (۱۹۹۷-۲۰۰۳)** و جنگسالار کشور کانگو **تامس لوبانگو دیلو** که در سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳ متهم به خشونت علیه اطفال زیر سن ۱۵ میباشد و به همین تازه گیها یعنی دوسال قبل **۲۶ جنوری ۲۰۰۹** به محکمه بین المللی هاگ کشانده شد.

البته کشاندن جنایتکاران جنگی و جنگسالاران به محاکم ملی و بین المللی نزد امریکا و جامعه جهانی اگر بخواهند کاری مشکلی نیست، اما تحرک اول باید از طرف بزرگان، قانون دانان و مردم شریف خود ما با ارائه اسناد و شواهد باشد، ضرب المثلی معروفی داریم که میگویند: **(تا طفل گریه نکند مادر شیر نمیدهد)**

بطور مثال کانگرس امریکا در نوامبر ۲۰۰۳ فیصله نامه را صادر کرد که در آن مبلغ ۲ میلیون دالر جایزه برای دستگیری رئیس جمهور لایبریا **"چارلز تیلر" (سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۳)** گذاشت. در حالیکه معاهده صلح بین کشورهای نایجریا و لایبریا به منظور حفظ امنیت **"چارلز تیلر"** رئیس جمهور سابق لایبریا به امضاء رسیده بود، اما پولیس **Interpol** توانست با اخطار نامه سرخ دولت نایجریا را مجبور بسازد تا **چارلز تیلر** را بنابر تخطی از **کانونسیون ژنیو ۱۹۴۹** دستگیر نماید اما دولت نایجریا از اخطار **پولیس Interpol** سر باز زد و صرف به این موافقه نمود که **چارلز تیلر** را به کشورش یعنی لایبریا تحویل دهد. در ۱۷ مارچ ۲۰۰۶ رئیس جمهور جدید لایبریا **"ایلن جانسن سرلیف"** **Ellen Johnson Sir leaf** از کشور نایجریا تقاضای بازگشت **چارلز تیلر** را از کشور نایجریا نمود، اما کشور نایجریا خواستار محکمه مخصوص در کشور **سیرالیون** که در غرب افریقا موقعیت دارد برای **چارلز تیلر** شد.

امایع از دستگیری اش از سال ۲۰۰۷ تا حال در محکمه بین المللی هاگ تحت محاکمه میباشد، و مردم لایبریا از شر ظلم و ستم او در امان شد.

ببینید تا هنوز هیچ اقدامی در زمینه دستگیری جنایتکاران وطن ما صورت نگرفته، اما (خائن خایف است)، در این روزها بیانیه بحران الدین ربانی عاشق چوکی و مقام و یکی از عاملین ویرانی و بدبختی های پایتخت زیبای ما کابل و یکی از دزدان معلوم الحال دارائیهای ملت، بعد از بازگشت از سفر با همراهانش از ترکیه در رابطه به نقش جوانان در سرنوشت مملکت توجه مطبوعات را به خود جلب و بسیار سرزبانهاست، قسمی که احساس میشود جناب شان لرزه به اندام دارند که میادا مقام و مناصبی که زیر چتر ریاست جمهوری کرزی با معاشات دالری دارد از دست بدهد، و به سرنوشت مستبدین شرفمیانہ مبتلا شود، بناعاً نامبرده در هنگام سخنرانی خود اخطاریه را به علماء دین گوشزد نمود «که اگر شما دست به کار نشوید نسل جوان (نسل فیس بوکی ها) دست به کار خواهند شد، و رهبری کشور را بدوش خواهند گرفت، و آنگاه حق شکایت را ندارید».

پیشنهاد من بدون کدام بازی با کلمات و یا استعمال لغات بسیار وزن دار که قابل درک به هموطنانم نباشد این است که زمان انتقام و محکمه فرا رسیده، لستهای این آدمکشان نزد هر انسان وطن دوست و سازمان بین المللی حقوق بشر موجود است، همه مردم افغانستان بدون در نظر داشت تبار، زبان، مذهب، قوم و غیره تعصبات بی معنی باید متحد شوند. این فقط وظیفه هر کدام ما است که خون ۲ میلیون شهید و معیوب خود را به هدر ندهیم، و دور از دسیسه های خائنانه سمتی، تباری، زبانی، قومی و مذهبی که تحفه بیرونی ها و بیگانه ها برای ما است متحد شویم و نگذاریم که این مزدوران روسی و تیکه داران دین و مذهب، عاملان بدبختی و بربادی کشور ما، خطرناکترین دشمنان حقوق بشر و انسانیت و نمایندگان معلوم الحال دول خارجی بالای ملت سربلند و وطن پر افتخار ما تا ابد حکمرانی کنند. و بهترین موقع هم همین حالا است، زیرا امریکا و دیگر کشورهای جهان منحصی حامی خوب در مقابل تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم همسایگان بی شرم ما و منحصی همکار ستراتیژیک در داخل افغانستان است.

در اخیر یک خواهش کوچک از هموطنان عزیزم دارم که لطفاً مثل ممالک همسایه و جهان فکر باز داشته باشیم و در قسمت خیر و صلاح وطن خود کمی هوشیارانه و مدبرانه فکر کنیم، دور نمیرویم بطرف همسایه جوان و نو بنیاد خود پاکستان دیروزه نظر میاندازیم که به چه نیرنگ و سیاستهای ماهرانه از ابر قدرت جهان جزیه میگیرد، و امروز نه تنها صاحب بمب اتمی شده، بلکه به بسیار پیشرفت های چشمگیر دیگر هم نایل آمده است. متأسفانه ما افغانها بنابر دسایس دشمنان (به جای اینکه بینی خود را لمس کنیم، پشت پشک میدویم). در طول تاریخ ما افغانها برای ترقی و تعالی کشور خود، برای گرفتن کمک و رهنمائی از دول پیشرفته خارجی سخن از خدشه دار شدن غرور ملی و استقلال زده ایم، که آنهم در اثر تبلیغات دشمنان ما بوده، اما تا جائیکه دیده میشود، هم غرور ملی و هم استقلال ما بجای خود است، و اگر فکر میکنید که قضیه برعکس است در آنصورت ما در طول تاریخ مخصوصاً در همین ۳۲ سال اخیر به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم تحت اشغال بوده ایم، که نه استقلالی داشتیم و نه هم کدام غرور ملی. پس لطفاً دور اندیش باشیم و بگذاریم که خیر ملت و مملکت در قدم اول قرار بگیرد، زیرا خواست و آرزوی میلیونها انسان وطن ما همین است.

قاتلین و جنایتکاران جنگی قبل از اینکه به محکمه الهی محکمه شوند، جواب ملت افغانستان را بدهند.

فرزندان صدیق افغانستان عجله کنید!

دست بکار شوید، وقت کم است

زیرا بکتعداد از این مجرمین ترخیص شانرا گرفته اند،

به یک مهر معطل اند.

به امید آن روز